



A Contractability of Author's Moral Rights in Iran and the European Union

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.2.4

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Mohammad Javad Mohammad Karimi 
ORCID: <https://0009000551649269>

² Pejman Mohammadi 
ORCID: <https://0000000224752229>

Affiliation:

¹ Ph. D. Student in International Trade & Investment Law, Faculty of Law, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran

² Professor in Intellectual Property Law, Faculty of Law, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran

Correspondence:*

Email: p.mohamadi@modares.ac.ir

Article History:

Received: 2025/02/04

Accepted: 2025/06/01

Abstract

Intellectual creations are products of human thought, taste, and creativity. Creators express their personality, desires, and emotions through their literary and artistic works, making each work a reflection of their identity. Given the close connection between moral rights and the creator's personality, the concept of "Inalienability" is considered one of the fundamental characteristics of these rights. This principle not only renders the transfer of these rights impossible but also prevents any action that would permanently and irrevocably remove moral rights from the creator's domain. However, when considering the economic dimensions of moral rights and the creator's autonomy in determining the fate of their work, distinct from personality rights, there exists the potential for waiving these rights under certain conditions. This makes it possible to reach agreements concerning moral rights through various methods and approaches. While this perspective may seem inconceivable or undesirable to adherents of civil law systems, including those of the Iranian legal system and the European Union, it is not entirely implausible.

This research, through an analytical-descriptive approach, concludes that despite the acceptance of the principle of inalienability in the two mentioned legal systems, due to economic justifications and technical and practical considerations in copyright exploitation contracts, agreements related to moral rights are not inconceivable. Under specific conditions and for various purposes, such agreements are possible, and there are legal capacities available for their realization.

Keywords: Moral Rights, Inalienability, Partial Waiver, Economic Efficiency of Contracts, Transfer of Right





قراردادپذیری حقوق معنوی مؤلف در ایران و اتحادیه اروپا^۱

محمدجواد محمدکریمی^۱، پژمان محمدی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. اسناد گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

چکیده

آفرینه‌های فکری مخلوق اندیشه، ذوق و قریحه انسانی هستند. پدیدآورندگان با آفرینش آثار ادبی و هنری شخصیت، تمایلات و احساسات خود را در آن منعکس می‌نمایند و بدین ترتیب هر اثر بخشی از شخصیت آن‌ها خواهد بود. به سبب همین نزدیکی میان حقوق معنوی با شخصیت آفرینندگان اثر است که از خصیصه‌ی «سلب‌ناپذیری» به عنوان یکی از اساسی‌ترین اوصاف این حقوق یاد می‌شود که نه تنها انتقال حقوق مزبور را ناممکن می‌سازد، بلکه هر اقدامی که سبب خروج همیشگی و دائمی حقوق معنوی از دامن‌های حقوق پدیدآورندگان شود را نیز نفی می‌نماید. با این حال، لزوم توجه به ابعاد اقتصادی

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری نویسنده اول با عنوان «مطالعه تطبیقی قراردادپذیری حقوق معنوی مؤلف در ایران و اتحادیه اروپا»، دفاع‌شده به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ در دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس با راهنمایی جناب آقای دکتر پژمان محمدی است.

E-mail: p.mohamadi@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



حقوق معنوی و نیز تحقق اراده‌ی آزاد پدیدآورنده در تعیین سرنوشت اثر در آیین تمایزات آن از حقوق شخصیت و همچنین قابلیت اسقاط این حقوق تحت شرایط و تدابیر مشخص، توافق‌پذیری حقوق مذکور را به طرق و شیوه‌های گوناگون ممکن می‌گرداند؛ تصویری که ممکن است در نگاه تابعان نظام حقوق نوشته از جمله نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا ناممکن و مذموم قلمداد شود.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی به این نتیجه دست می‌یابد که با وجود پذیرش اصل سلب‌ناپذیری در دو نظام حقوقی مذکور، به سبب وجود توجیهات اقتصادی و ملاحظات فنی و عملی در قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مؤلف، توافقات راجع به حقوق معنوی امری دور از ذهن نبوده و تحت شرایط مشخص و با اهداف گوناگون امکان‌پذیر است و در این راستا از ظرفیت‌های قانونی نیز امکان بهره‌گیری وجود خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حقوق معنوی، سلب‌ناپذیری، اسقاط جزئی، کارآیی اقتصادی قراردادها، انتقال حق

۱. مقدمه

حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان یکی از دو شاخه‌ی اصلی حقوق مالکیت فکری، نظام شکل گرفته جهت حمایت از پدیدآورندگان آثار و بهره‌برداری از آن است. مطابق این نظام حمایتی، دو گروه حقوق مالی و معنوی برای پدیدآورندگان شناسایی شده است که هر یک دارای ویژگی‌ها و مصادیق منحصر به خود هستند. حقوق مالی اقتداری است که پدیدآورنده را جهت انتفاع مادی از اثر و رفع حواج و نیازهای مالی توانمند می‌سازد و در مقابل، حقوق معنوی قرار دارد که ماهیت مالی نداشته و به منظور حمایت از پدیدآورنده و شخصیت وی و نیز روح و جوهره‌ی اصلی اثر پیش‌بینی شده است و از این رو امکان انتقال قراردادی آن منتفی خواهد بود. با این حال آیا همه‌ی قراردادهای راجع به حقوق معنوی را باید به معنای انتقال این حقوق تعبیر کرد؟ آیا وصف غیرقابل انتقال بودن، یا به تعبیر این پژوهش «سلب‌ناپذیری»^۲ حقوق معنوی، سبب می‌شود تا این حقوق به طور کلی از دامنه‌ی موضوعات

2. Inalienability



قابل توافق پدیدآورنده با سایر اشخاص خارج گردد؟ به بیان مختصرتر، آیا سلب‌ناپذیری حقوق معنوی به منزله‌ی توافق‌ناپذیر بودن این حقوق است؟

کشورهای تابع نظام حقوق نوشته از جمله نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، در بحث حقوق مؤلف، انتقال قهری حقوق معنوی را مورد پذیرش قرار داده‌اند، اما باید دانست امروزه با توجه به توسعه دانش و فناوری و گسترش روزافزون مبادلات الکترونیکی و نیز ضرورت‌های اقتصادی، آزادی تجارت و معاملات، حقوق معنوی پدیدآورندگان نیز تا حدودی اوصاف تام و مطلق خود را از دست داده و با تعدیلات و تخفیفاتی روبه‌رو شده است. همین مسئله در نظام قانون‌گذاری کشورهای مختلف نیز به نوعی انعکاس یافته، به نحوی که در موادی از قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ایران^۳ به قابلیت توافق‌پذیری حقوق معنوی اشاراتی شده است، از جمله در ماده ۱۸ که امکان انصراف پدیدآورنده از درج نام خود بر روی اثر را پیش‌بینی نموده و بدین طریق وصف مطلق رعایت حق انتساب اثر را تعدیل می‌نماید، یا به عنوان نمونه‌ای دیگر در ماده ۱۹ که امکان تجویز تغییرات به عمل آمده در اثر توسط شخصی غیر از پدیدآورنده مورد تصریح قرار گرفته است و بدین ترتیب، حق تمامیت و یکپارچگی اثر را در قالب «تجویز و اجازه دادن» از فردیت بی‌قید و شرط رها می‌سازد.

اتحادیه اروپا نیز تلاش‌های شایان توجهی نسبت به هماهنگ‌سازی حقوق کشورهای عضو در راستای ایجاد نظام حقوقی منطقه‌ای و به طور خاص در حوزه‌ی حقوق مؤلف در دهه‌های اخیر به عمل آورده و در این راستا دستورالعمل‌ها و مقررات متعددی را تدوین کرده است، از جمله «دستورالعمل هماهنگ‌سازی برخی جنبه‌های حقوق مؤلف و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعاتی مورخ ۲۲ می ۲۰۰۱»^۴ که با هدف تشریح حقوق پدیدآورندگان

۳. زین پس به جهت رعایت اختصار از این قانون با عنوان «قانون حمایت از حقوق مؤلفان» یاد می‌شود.

4. DIRECTIVE 2001/29/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 22 May 2001 on the harmonization of certain aspects of copyright and related rights in the information society

- زین پس به جهت رعایت اختصار از دستورالعمل مزبور با عنوان «دستورالعمل InfoSoc» یاد خواهد شد.



آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط و محدودیت‌های وارد بر آن تهیه شده است. به علاوه در اسناد اخیر، در خصوص حقوق معنوی پدیدآورندگان نیز اشاراتی کلی راجع به لزوم شناسایی و حمایت از این حقوق و ذکر مصادیقی از جمله حق انتساب اثر^۵ و حق تمامیت و یکپارچگی^۶ به شکل رقیق صورت گرفته است، با این حال اتحادیه کشورهای عضو را نسبت به وضع مقررات راجع به حقوق معنوی مخیر گذاشته و به این واقعیت صحه می‌گذارد که رژیم حاکم بر حقوق معنوی با تشنّت و دیدگاه‌های متفاوتی همراه است. بر همین اساس، ضوابط اعمال و انصراف از حقوق معنوی با تفاوت‌هایی همراه گردیده به نحوی که در بسیاری از کشورهای عضو به امکان «اسقاط»^۷ حقوق معنوی از سوی پدیدآورنده و به طور خاص در مورد حق تمامیت و یکپارچگی اثر تصریح شده است، البته مشروط به آنکه به صورت جزئی و قابل رجوع باشد. در حالی که برخی دیگر اسقاط حقوق یاد شده را تحت هر شرایط ناممکن دانسته و گروهی نیز اسقاط‌پذیری حقوق معنوی را امری بدیهی و مسلم عنوان کرده‌اند.

بنابراین، در پژوهش حاضر با وجود تأکید بر مقررات و دستورالعمل‌های اروپایی در حوزه حقوق معنوی، از دیدگاه‌های کشورهای عضو جهت تعدیل در اوصاف مطلق حقوق معنوی بهره خواهیم برد و تلاش می‌کنیم با استفاده از عناصر بایسته^۸ مشترک، نسبت به نظام حقوق مؤلف ایران نیز افق‌گشایی صورت گیرد.

۲. بنیان‌ها و مفاهیم اساسی پژوهش

ضرورت آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات تخصصی پژوهش ایجاب می‌نماید تا در ابتدا به تشریح و تبیین مفهوم حقوق معنوی، اقسام و خصایص برشمرده‌شده برای این حقوق و به

5. Right of Attribution

6. Right of Integrity

7. Waiver

۸. المان‌های اجتهادی



طور ویژه خصیصه «سلب‌ناپذیری» و همچنین مفهوم قراردادپذیری پرداخته شود که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲) حقوق معنوی؛ مفهوم و جلوه‌ها

قوانین حوزه حقوق مؤلف ایران تعریفی از حقوق معنوی ارائه نکرده‌اند و صرفاً به بیان ویژگی‌ها و اقسام این حقوق، آن هم به صورت کلی اکتفا شده است که امری دور از انتظار نیست.^۹ با این حال، برخی از صاحب‌نظران حقوقی در مقام بیان تعریفی از حقوق معنوی اظهار داشته‌اند: «حقوق معنوی بخشی از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری است که اساساً جنبه مالی و اقتصادی نداشته و وابسته به شخصیت پدیدآورنده است. بدین معنی حقوق معنوی در مقابل حقوق مالی قرار می‌گیرد» (صفایی، ۱۳۸۵: ۲۰). در کلام دیگر، از حقوق معنوی با این تعبیر یاد شده است: «امتیازاتی غیرقابل ارزیابی به پول و نامحدود - از نظر زمان و مکان - که به مؤلف اعطا می‌شود تا از حیثیت خود و اثرش دفاع نماید» (محمدي، ۱۳۷۶: ۱۷۲).^{۱۰}

رویکرد اتحادیه اروپا اما نسبت به ماهیت و مفهوم حقوق معنوی مبهم است؛ فارغ از دیدگاه‌های «وحدت‌گرایی»^{۱۱} و «دوگانه‌گرایی»^{۱۲} که میان کشورهای عضو وجود دارد،^{۱۳} در

۹. مراجعه شود به مواد ۳ و ۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۳.

۱۰. جناب آقای دکتر ناصر کاتوزیان نیز در تعریفی از حقوق معنوی بیان نموده‌اند: «حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد. این حق دارای ماهیتی مختلط از حقوق مالی و با ارزش و حق غیرمالی مربوط به شخصیت است. این اختلاط به ویژه در فرضی که مؤلفی حق انتشار اثر خود را به دیگران واگذار می‌کند دیده می‌شود؛ آنچه انتقال یافته چهره مالی حق تألیف و بهره‌برداری از انتشار است، ولی حق شخصی او در دفاع از اثر و تجدیدنظر در آن همچنان باقی است و مانند سایر حقوق غیرمالی به دیگران انتقال نمی‌یابد». برای مطالعه دیدگاه مراجعه شود به: کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ پنجاه و پنجم، ص ۲۴.

11. Monist System

- مطابق این رویکرد که از نظام حقوق مؤلف آلمان نشأت می‌گیرد حقوق معنوی و مالی پدیدآورندگان آثار فکری دو روی یک سکه هستند و از این رو پیوند میان منافع مالی و معنوی در تئوری و در عمل ناممکن است.

12. Dualist System



دستوالعمل‌های صادره از سوی پارلمان اروپایی در حوزه هماهنگ‌سازی حقوق مؤلف به تعریفی از حقوق معنوی اشاره نشده و تنظیم مقررات راجع به آن به نظام داخلی کشورهای عضو واگذار گردیده است و از سوی دیگر، در آراء صادره توسط دیوان دادگستری نیز اشارتی به مفهوم حقوق معنوی صورت نگرفته است.^{۱۴} با وجود این، در مقام شناسایی دیدگاه اتحادیه اروپا راجع به مفهوم حقوق معنوی، می‌توان به تعریفی که پارلمان اروپایی از حقوق مؤلف و اقسام آن ارائه کرده است اشاره نمود:

«حقوق مؤلف به مجموعه‌ای از حقوق اطلاق می‌شود که به پدیدآورندگان، اجراکنندگان، تولیدکنندگان و پخش‌کنندگان اعطا می‌شود. این حقوق به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: حقوق مالی و حقوق معنوی که مورد اخیر شامل حق ادعای پدیدآورندگی اثر و حق اعتراض به هرگونه اقدام تحقیرآمیز نسبت به اثر است. این حقوق در سراسر اتحادیه اروپا هماهنگ نشده‌اند».^{۱۵}

همچنین، دفتر کمکرسانی حقوق مالکیت فکری اروپا^{۱۶} که مستقیماً زیر نظر کمیسیون اروپایی قرار دارد، تعریفی از حقوق معنوی ارائه کرده است:

«پدیدآورنده یک اثر مشمول حمایت‌های حقوق مؤلف، دارای حق ادعای پدیدآورندگی نسبت به اثر خود و همچنین حق اعتراض به تحریف و تغییراتی بوده که ممکن است به اعتبار و شهرت او آسیب رساند. این حقوق عموماً به عنوان «حقوق معنوی» شناخته

– نظام دوگانه‌گرایی که ناشی از اندیشه‌های فکری فرانسوی است بر این باور بوده که حقوق مالی و معنوی پدیدآورندگان، حقوقی متمایز و جدا از هم هستند و به نتایج عملی متفاوتی منتهی خواهند شد (لازم به ذکر است که در زمان حاضر بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا از این نگرش تبعیت می‌نمایند).

۱۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Sundara Rajan, M. T. (2011). *Moral rights: principles, practice and new technology*, Oxford University Press, p. 51, available at: <https://doi.org/10.1093/acprof:osobl/9780195390315.001.0001>

14. EC Commission. (2004). “Commission Staff Working Paper on the Review of the EC Legal Framework in the Field of Copyright and Related Rights”, pp. 13-14. Available at: <https://data.consilium.europa.eu/doc/document/ST-11634-2004-INIT/en/pdf>

15. See: https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=LEGISSUM:eu_copyright , and also attention to: <https://digital-strategy.ec.europa.eu/en/policies/copyright-legislation>

16. Intellectual Property Helpdesk - European Commission



می‌شوند. حقوق معنوی شامل حق تصمیم‌گیری در مورد زمان و چگونگی علنی ساختن اثر، حق ادعای پدیدآوردگی و حق اعتراض به هرگونه اقدام تحقیرآمیز نسبت به اثر است.^{۱۷} با این حال شایسته است دیدگاه نگارندگان نسبت به مفهوم حقوق معنوی تبیین گردد: حقوق معنوی امتیازاتی هستند برای حمایت از شخصیت پدیدآوردندگان آثار ادبی و هنری که به نحوی متجلی در دستاورد فکری بوده و به صورت غیرقابل سلب، در هر زمان و مکان قابلیت استناد خواهند داشت.

به علاوه، نگاهی به قوانین حقوق مؤلف کشورهای تابع نظام حقوق نوشته نظیر فرانسه و آلمان که پرچم‌داران حمایت از حقوق معنوی پدیدآوردندگان آثار ادبی و هنری در جهان هستند، ما را با چهار چهره از این حقوق مواجه می‌نماید: حق افشا و اعلان^{۱۸} که به همگانی کردن اثر نیز معروف است، حق انتساب یا رعایت نام که از آن با اصطلاح حق پدری^{۱۹} نیز یاد می‌شود، حق رعایت حرمت اثر که به آن حق تمامیت اثر هم می‌گویند و سرانجام، حق انصراف یا استرداد^{۲۰} (پشیمانی و بازستانی) که به صورت محدود و در برخی از کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین از حق بر جوایز و پاداش‌ها^{۲۱} نیز می‌توان به عنوان یکی از جلوه‌های حقوق معنوی آفرینندگان آثار فکری نام برد.

با وجود گوناگونی اقسام حقوق معنوی و تعابیر برشمرده‌شده برای هر یک، تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر حق انتساب و حق تمامیت و یکپارچگی آثار هنری در امر قراردادپذیری خواهد بود.

۲-۲) سلب‌ناپذیری حقوق معنوی

به طور کلی، خصایص برشمرده‌شده برای حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران و اتحادیه

17. For read this definition refers to: https://intellectual-property-helpdesk.ec.europa.eu/regional-helpdesks/south-east-asia-ip-sme-helpdesk/glossary/glossary-c_en

18. Right of Divulgence or Right to Disclose

19. Right of Paternity

20. Right of Withdrawal

21. Right to Rewards



اروپا در چهار چهره‌ی سلب‌ناپذیری، دائمی بودن (عدم محدودیت زمانی)، جهانی بودن (عدم محدودیت مکانی) و انسانی بودن قابل بررسی هستند که تأکید پژوهش با توجه به اهداف بر شمرده شده بر خصیصه‌ی نخست است.

هرچند در غالب نوشته‌های حقوقی از این ویژگی با عنوان غیرقابل انتقال بودن^{۲۲} حقوق معنوی یاد شده است که در مقابل قابلیت انتقال حقوق مالی قرار می‌گیرد، در این پژوهش اما به عمد از مفهوم سلب‌ناپذیری حقوق معنوی استفاده می‌کنیم،^{۲۳} زیرا از یک جهت دارای مفهومی گسترده‌تر نسبت به عدم قابلیت انتقال است و از سوی دیگر در مفهوم قراردادپذیری حقوقی معنوی همان‌طور که در ادامه مشاهده می‌شود انعطاف بیانی و حقوقی مناسب‌تری را ایجاد خواهد کرد. به علاوه، در نظام حقوقی فرانسه که مهد شناسایی حقوق معنوی است نیز در توصیف این ویژگی از عبارت «دست نخورده ماندن» استفاده شده است که به تعلق بی‌قید و شرط حقوق معنوی به پدیدآورنده اثر اشاره دارد (Gautier, 1991: 25).

در تبیین مفهوم سلب‌ناپذیری حقوق معنوی ابتدا باید مفهوم «سلب حق» مورد بررسی قرار گیرد. از منظر برخی نویسندگان، سلب حق به معنای ایجاد مانع قانونی در اعمال حق به صورت موقت و جزئی از سوی دارنده حق یا دیگری است (احمدوند، ۱۴۰۰: ۹۷) و در جای دیگر آمده است که سلب حق، عمل یا واقعه‌ی حقوقی است که منجر به از بین رفتن حقی برای صاحب آن می‌شود (Koumantos, 1999: 89).

22. Non-transferable

۲۲. در تبیین خصیصه «غیرقابل انتقال بودن» حقوق معنوی می‌توان گفت که این ویژگی به معنای عدم امکان خروج حق از دامنه‌ی حقوق پدیدآورنده و استقرار آن در دامنه‌ی حقوق اشخاص دیگر است. در حالی که ویژگی «سلب‌ناپذیری» به این مفهوم اشاره دارد که نه تنها حقوق معنوی قابلیت انتقال نخواهند داشت، بلکه امکان اسقاط آن که صرفاً سبب خروج حق از دایره حقوق پدیدآورنده می‌گردد نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، حقوق معنوی این ویژگی خود را از پیوند عمیق میان شخصیت پدیدآورنده و اثر به امانت می‌گیرند. ویژگی که برای حقوق شخصیت نیز قابل ذکر است و در مباحث آتی بدان می‌پردازیم.

برای مطالعه بیشتر راجع به این مفاهیم رجوع کنید به: https://www.law.cornell.edu/wex/moral_rights و نیز: <https://writingexplained.org/unalienable-vs-inalienable-difference>



فارغ از نقدهایی که به هر یک تعاریف فوق وارد است، در چهارچوب حقوق مؤلف و به طور خاص حقوق معنوی، سلب‌ناپذیری را می‌توان به معنای عدم امکان اسقاط و صرف‌نظر نمودن^{۲۴} و نیز انتقال حقوق معنوی از دامنه‌ی حقوق پدیدآورنده به صورت کلی و دائمی دانست، به نحوی که او خالی از حق گردد. به بیان دیگر، هر عملی که سبب خروج کامل و همیشگی حقوق معنوی از گستره‌ی اختیار و دامنه‌ی حقوق پدیدآورندگان شود را باید به منزله‌ی سلب حقوق معنوی تلقی نمود که امری ناممکن است (Raizon, 2014: 110).

گرچه در نظام حقوق مؤلف ایران به صراحت از سلب‌ناپذیری حقوق معنوی یاد نشده و در مواد مختلف قوانین حوزه حقوق مؤلف نیز از غیرقابل انتقال بودن حقوق مذکور صحبت به میان آمده است، با این حال گفته شد ویژگی سلب‌ناپذیری حقوق معنوی صرفاً ناظر به انتقال‌ناپذیر بودن این حق نیست؛ هدف اصلی باقی ماندن حقوق معنوی در دامنه‌ی حقوق پدیدآورنده است و با هر اقدامی که بتواند این رابطه را از میان برد، مقابله خواهد کرد. اما لزوم پیش‌بینی تعدیلاتی در این وصف لازمه‌ی اعمال حقوق مذکور است و در نظام حوقی ایران نسبت به هر یک از مصادیق شناخته‌شده، این امر به وضوح قابل لمس است؛ به نحوی که قابلیت اسقاط یا صرف‌نظر نمودن از حقوق معنوی به صورت موقت و جزئی دور از ذهن نبوده و دارای مبنای قانونی نیز است، به ویژه ماده ۹۵۹ قانون مدنی^{۲۵} که سلب حقوق مدنی را صرفاً در بحث کلی بودن غیرممکن دانسته و در نتیجه قابلیت تسری آن به برخی مقررات موجود در حوزه حقوق مؤلف، از جمله مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان دور از انتظار نیست (علیزاده، ۱۳۸۷: ۶۰).

چنانچه بخواهیم رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ویژگی سلب‌ناپذیری حقوق معنوی را بررسی کنیم احتمالاً با ابهامات زیادی مواجه خواهیم بود؛ زیرا از یک طرف برخی دستورالعمل‌های حقوق مؤلف به صراحت بیان می‌کنند که نسبت به حقوق معنوی اعمال

24. Relinquish

۲۵. ماده ۹۵۹ قانون مدنی: «هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند».



نخواهند شد^{۲۶} و موارد دیگر نیز هیچ اشاره‌ی مستقیمی به حقوق معنوی ندارند. از دستورالعمل‌های قدیمی‌تر، هر دو دستورالعمل پایگاه داده^{۲۷} و InfoSoc در مقدمه‌ی خود اعلام می‌کنند که حقوق معنوی پدیدآورندگان می‌بایست مطابق با کنوانسیون برن^{۲۸} (و سایر معاهدات مربوطه) اعمال شده و این حقوق خارج از دامنه‌ی هماهنگ‌سازی این اسناد باقی خواهند ماند.

با این حال، غالباً به دلیل ارتباط ویژه بین شخصیت پدیدآورنده و اثر، به طور سنتی حقوق معنوی در کشورهای اروپایی غیرقابل انتقال دانسته شده‌اند و امکان اسقاط آن‌ها نیز محدود است (Zemer, 2011: 1524). حقوقدانان این‌گونه استدلال کرده‌اند که ممنوعیت اسقاط حقوق معنوی در اتحادیه اروپا، چه در محیط آنالوگ و چه در محیط دیجیتال، به نظر غیرواقعی و از نظر اقتصادی غیرواقع‌بینانه است و باید منافع و انتظارات پدیدآورندگان و کاربران، به ویژه در محیط دیجیتال در نظر گرفته شود، چراکه در غیر این صورت پلتفرم‌هایی مانند ویکی‌پدیا و سایر آثار تعاملی با مقررات سخت‌گیرانه راجع به حق انتساب و تمامیت، بر پایه‌های حقوقی نامطمئنی بنا خواهند شد (Janssens, 2017: 230). بنابراین به نظر می‌رسد خصیصه سلب‌ناپذیری حقوق معنوی از منظر اتحادیه اروپا نیز با توجه به قوانین داخلی کشورهای عضو مورد پذیرش باشد.^{۲۹}

26. See, e.g. Recital 28 Directive 93/83/EEC, available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=celex%3A31993L0083>; Recital 21 & Article 9 of Directive 2006/116/EC, available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A32006L0116>

27. Recital 28 Directive 96/9/EC, available at:

<https://eurlex.europa.eu/legalcontent/EN/TXT/?uri=celex%3A31996L0009>

28. The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works - 1886

۲۹. برای نمونه به مواد ذیل از قوانین حقوق مؤلف برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مراجعه شود:

Ireland Copyright and Related Rights Act (2000), Article. 116; Belgium Copyright and Neighboring Rights Act (1995), Article 1(2); French Code de la propriété intellectuelle (CPI) (last amended May 22, 2020), Article. L121-3, L132-11 & L113-6; German Copyright and Related Rights Act (UrhG) (1965), Article. 29; Italy Copyright and Neighboring Rights Act (amended April 9, 2003), Article. 21 & 22; The Dutch Copyright Act (Auteurswet) (amended September 1, 2017), Article. 25 §1; Austria Federal Law on Copyright in Literary and Artistic Works and Related Rights (BGBl.I) (amended 1998), Article. 19(2).



۳-۲ تبیین مفهوم قراردادپذیری حقوق معنوی

گرچه قوانین عموماً چهارچوب کلی روابط اشخاص و جامعه را تعیین می‌کنند، قراردادها به عنوان توافق‌نامه‌های خصوصی، در تنظیم روابط حقوقی میان افراد ایفای نقش می‌نمایند. به عبارت دیگر، قراردادها اغلب به عنوان ابزار اجرایی قوانین در سطح فردی عمل کرده و به اشخاص اجازه می‌دهند تا روابط خود را در محدوده قوانین موجود، به صورت دقیق و مشخص تعریف کنند (Raizon, 2014: 24).

قراردادها می‌توانند از حیث اقتصادی دارای نقش هنجاری^{۳۰} باشند، به این معنا قرارداد به مثابه ابزاری برای تحقق کارآیی اقتصادی و فزونی آن تلقی شده و قواعد حاکم بر آن نیز در این راستا تفسیر می‌شوند (ابدالی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). همان‌طور که در بررسی خصیصه‌ی سلب-ناپذیری حقوق معنوی از نظر گذشت، در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا این حقوق به صورت کلی یا جزئی غیرقابل انتقال دانسته شده‌اند، زیرا اثر انتقال، خروج حق از دامنه‌ی حقوق پدیدآورنده و تصاحب آن توسط شخص دیگر است. بنابراین به عنوان یک اصل، حتی نقش هنجاری قراردادها نیز نمی‌تواند موجب تعلق حقوق معنوی به شخصی غیر از پدیدآورنده شود.

نظام حقوق مؤلف ایران و اتحادیه اروپا اما مقرره‌ی صریحی در باب عدم قابلیت اسقاط و صرف‌نظر کردن پدیدآورنده از اعمال حقوق معنوی ندارند، در حالی که بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه به وضوح اسقاط حقوق معنوی را تحت شرایط و تدابیر مشخص، در قوانین داخلی خود پیش‌بینی کرده‌اند. شماری از حقوقدانان (Radkova, 2001: 109) در خصوص ممنوعیت اسقاط حقوق معنوی باور دارند، زمانی که صرفاً انتقال این حقوق در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی نفی گردیده است، این امر به صورت ضمنی به معنای جواز سلب حق تعبیر می‌شود، به ویژه هنگامی که پدیدآورنده از پیامدهای آنچه در قرارداد بدان متعهد می‌شود آگاهی کامل دارد و به طور خاص زمانی که به تغییرات اعمال‌شده در

30. Normative Role



اثر رضایت می‌دهد یا نوع تغییراتی را که قرار است اعمال شود در قرارداد مشخص می‌کند (Dietz, 1994: 203-205). برخی دیگر، عدم قابلیت انتقال حقوق معنوی را به عدم قابلیت اسقاط آن نیز تسری داده‌اند، اما به نیابت‌پذیری اعمال این حقوق اذعان کرده و تصریح می‌نمایند: «در قابل نیابت بودن حقوق معنوی نباید تردید کرد، زیرا قوام آن به شخصیت پدیدآورنده نیست» (حکمت‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۶۸). گروه دیگر با توجه به ضرورت‌های آزادی تجارت و معاملات و نیز ملاحظات فنی و فناوری و همچنین نیازهای کشورهای در حال توسعه، سلب‌ناپذیری حقوق معنوی را در معنای عدم قابلیت انتقال این حق و همچنین اسقاط کلی آن، همانند آنچه در نظام حقوقی فرانسه مورد پذیرش قرار گرفته است، تعبیر کرده و در نتیجه اسقاط جزئی و پسینی (پس از خلق دستاورد فکری) با قابلیت رجوع از آن را ممکن دانسته‌اند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۵).

نیابت‌پذیری اعمال حقوق معنوی نیز به نظر می‌رسد امکان‌پذیر باشد؛ زیرا اعطای نمایندگی نسبت به اجرای این حق از سوی خالق اثر فکری نافی وصف سلب‌ناپذیری نبوده و او را از حق تهی نخواهد ساخت؛ به انضمام آنکه اقدامات نماینده در فروشی که خارج از حدود اختیارات اعطا شده عمل نماید، سبب ایجاد تعهد برای پدیدآورنده نگردیده و او نسبت به پذیرش یا رد اقدامات صورت‌گرفته مخیر خواهد بود و از این طریق می‌تواند نظارت مؤثری بر فرجام اثر خویش داشته باشد. این امر به ویژه هنگامی که پدیدآورندگان از امکان گم‌نامی یا نام مستعار بهره می‌برند هویدا خواهد شد. بنابراین، در کنار امکان اسقاط جزئی حقوق معنوی در قلمرو مفهومی قراردادپذیری، نیابت‌پذیری اعمال این حقوق را نیز می‌توان جای داد.

همچنین قراردادپذیری حقوق معنوی با در نظر گرفتن نقش هنجاری قراردادها می‌تواند به پدیدآورندگان کمک نماید تا حقوق معنوی خود را تنظیم و تعدیل کنند. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا شرایط خاصی را جهت استفاده از آثار خویش تعیین کرده و از این طریق، فراتر از چهارچوب‌های قانونی تعیین‌شده، از عقاید و تفکرات خود و نیز روح اثر و تمامیت مادی آن صیانت نمایند. به عنوان مثال، پدیدآورندگان می‌توانند در قراردادهای بهره‌برداری



از حقوق مالی یا انتقال مالکیت عین حاوی اثر شرایطی را در خصوص رعایت حقوق معنوی، نحوه نگهداری و حفظ تمامیت دستاورد فکری تعیین کنند (Cervetti, 2013: 119). پس از آشنایی با مفاهیم و ارکان اساسی پژوهش، در گفتار بعدی به بررسی عناصر بایسته نظریه قراردادپذیری حقوق معنوی خواهیم پرداخت و می‌بینیم که فرضیات مورد بحث بر چه پایه‌هایی استوار است.

۳. عناصر بایسته قراردادپذیری حقوق معنوی

اندیشه‌ای که کشورهای تابع نظام کامن‌لا حقوق معنوی پدیدآورندگان را فدای ملاحظات اقتصادی می‌کنند در حالی که کشورهای تابع نظام حقوق نوشته حقوق معنوی را به جهت تلقی به عنوان جلوه‌ای از روح و جوهره‌ی ابتکار پدیدآورنده و صیانت از شخصیت آنان مورد حمایت گسترده‌تر و قوی‌تری قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد در جهان امروز چندان قابل پذیرش نباشد. هم‌گرایی تدریجی دو نظام حقوقی به یاری کنوانسیون‌های بین‌المللی حوزه حقوق مؤلف و به ویژه کنوانسیون برن و نیز ضرورت‌های بهره‌برداری نوین از آثار ادبی و هنری سبب گردیده است تا فاصله‌ی میان آن دو بیش از هر زمان دیگری کاهش یافته و دیدگاه‌های اقتصادی مرتبط با حقوق معنوی به کشورهای تابع نظام حقوق نوشته نیز تسری یابد (Masiyakurima, 2005: 411)، که جلوه‌ی بارز آن را می‌توان در بحث آثار جمعی^{۳۱} در نظام حقوقی فرانسه مشاهده کرد.

شناسایی حقوق معنوی به عنوان ابزاری جهت صیانت از منافع غیرمالی خالقان آثار ادبی و هنری عمدتاً بر پایه‌ی چهار نظریه توجیه شده است^{۳۲} که از میان آن‌ها دیدگاه حمایت از

31. Collective Works

۳۲. به طور کلی در خصوص مبنای شناسایی و حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان چهار نظریه مطرح است: ۱. نظریه شخصیت ۲. آزادی بیان ۳. میراث فرهنگی ۴. اصالت؛ با این حال مبانی دیگری نیز توسط حقوقدانان جهت حمایت از حقوق معنوی مطرح شده است از جمله: عناوین اخلاقی نظیر رقابت غیرمنصفانه، حق خلوت و...، تحلیل موضوعی و امثال آن. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۴). «مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۲-۶۰. قابل دسترس از: <https://ensani.ir/fa/article/66153>



شخصیت، پرطرفدارترین نظریه بوده و در اکثر کشورهای تابع نظام حقوق نوشته اساس حمایت از حقوق معنوی را تشکیل داده است (Woodmansee, 2017: 425). این پیوند سبب می‌شود تا حقوق معنوی در ارتباط با حقوق شخصیت^{۳۳} و از جلوه‌های آن دانسته شود و از این رو، ویژگی سلب‌ناپذیری آن توجیه گردد. با این حال، تفاوت‌های موجود میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت سبب تحقق اراده‌ی آزادانه پدیدآورنده در تعیین سرنوشت اثر می‌شود که البته با محدودیت‌هایی همراه است و در نتیجه سازوکارهای قراردادی می‌توانند گزینه‌ای مناسب برای حصول امر مذکور دانسته شود و عدم قابلیت اسقاط حقوق معنوی را که توسط برخی حقوقدانان به عنوان جلوه‌ای از ویژگی سلب‌ناپذیری حقوق معنوی عنوان شده است، تعدیل نماید.

بدین ترتیب، جهت آشنایی با عناصر بایسته نظریه قراردادپذیری حقوق معنوی در ایران و اتحادیه اروپا، به صورت مشترک و با بهره‌گیری از نظرات مطرح‌شده از سوی حقوقدانان هر دو نظام، ابتدا ابعاد اقتصادی این حق تبیین گردیده و سپس تمایز آن از حقوق شخصیت و در آخر، با استدلال معکوس، قابلیت اسقاط حقوق معنوی تحلیل می‌شود.

۳-۱) ابعاد اقتصادی حقوق معنوی

واقعیت آن است که تأثیرات اقتصادی حقوق معنوی غالباً به جهت تقابل این حقوق با حقوق مالی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و از این رو، دامنه‌ی اعمال حقوق معنوی در کشورهای تابع نظام حقوق نوشته به صورت قابل توجهی گسترش یافته است. هنگامی که گفته می‌شود مبنای حمایت از حقوق معنوی صیانت از شخصیت و تفکرات متجلی پدیدآورندگان در آثار فکری است، این موضوع به معنای غیرمالی بودن یا فقدان کارآیی اقتصادی حقوق معنوی نیست، زیرا پدیدآورنده می‌تواند در قبال دریافت مابه‌ازای مشخص، از اعمال حقوق معنوی خود اجتناب کرده یا امکان تغییر در اثر را با جزئیات از پیش تعیین شده تجویز نماید یا



اجرای آن را توسط شخص دیگر به نیابت سپارد. بنابراین، باید توجه داشت حمایت از شخصیت پدیدآورنده تنها غایت حقوق معنوی نیست و ثمرات اقتصادی آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد (جعفرپور و شاکری، ۱۴۰۲: ۱۴).

اینکه آیا می‌توان حقوق معنوی را دارای ابعاد اقتصادی دانست یا خیر به تعریفی که از یک حق اقتصادی ارائه می‌دهیم وابسته است. در تعریفی از حق اقتصادی آمده است: «هر حق اقتصادی تلقی می‌شود که به صورت مستقیم بر ارزش یک معامله تأثیر گذارد» (Watt, 188: 2023). بنابراین در قراردادهای بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری، چنانچه مابه‌ازایی که توسط طرف قرارداد به پدیدآورنده پرداخت می‌شود به هر نحوی متأثر از حقوق معنوی باشد، در این صورت حقوق معنوی دارای ابعاد اقتصادی خواهد بود.

گروهی از حقوق‌دانان در تحلیل اثربخشی اقتصادی حقوق معنوی به مفهوم «شهرت هنری»^{۳۴} نیز تکیه زده‌اند و بر این عقیده هستند که هر یک از آثار پدیدآورنده بر این مفهوم دارای تأثیر است. هر اثر تبلیغی برای آثار بعدی است و از این جهت است که تغییرات لطمه‌زننده به شهرت و اعتبار پدیدآورنده می‌تواند بر منافع اقتصادی و تمایل خریداران بالقوه آثار او تأثیرگذار باشد (Hansmann & Santilli, 1997: 102-104). از این رو، هرگاه اعمال تغییرات سبب لطمه به شهرت هنری پدیدآورنده شود، او مایل به اعمال حقوق معنوی است تا از این طریق از منافع خود صیانت نماید. به همین علت است که در نظریه‌ی قراردادی‌پذیری حقوق معنوی گفته می‌شود پدیدآورندگان نمی‌توانند به اعمال تغییراتی در اثر که سبب هتک شهرت هنری و اعتبارشان می‌شود رضایت دهند، زیرا فارغ از منافع اقتصادی خودشان، منافع جامعه و بهره‌برداران دیگر آثار آنان نیز در میان است. بنابراین، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که حقوق معنوی به مثابه یک سابقه کاری هنری تلقی می‌شود، زیرا تضمین‌کننده‌ی ثبت کامل دستاوردهایی است که توسط پدیدآورنده خلق شده و در نتیجه همانند هر سابقه‌ی کاری دیگر می‌تواند بر منافع اقتصادی او تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر،

34. Artistic Reputation



مجموعه آثاری که توسط پدیدآورنده خلق می‌شوند نشان‌دهنده کیفیت و ارزش آثاری است که ممکن است در آینده خلق کند و از این رو، آثار گذشته آیین و بازتابی از آثاری آتی وی دانسته شده‌اند که می‌تواند برای یک خریدار بالقوه، از جمله سفارش‌دهنده یا کارفرما، درکی روشن از میزان مابه‌ازای پرداختی جهت آفرینش یک اثر ادبی یا هنری و حتی دستاوردی خلق شده ایجاد نماید (Mills, 2011: 448).

از این جهت، مطالب مطرح‌شده ما را به این نتیجه می‌رساند که برخلاف ماهیت غیرمالی حقوق معنوی و تکیه بر جنبه‌ی اخلاقی و شخصیتی آن، این حقوق همانند حقوق مالی می‌توانند برای پدیدآورندگان دارای ثمره‌ی اقتصادی باشند؛ عاملی که سبب تحقق مبنای قراردادپذیری حقوق معنوی و مشوقی جهت محدودیت اعمال این حق یا صیانت از آن به نحو کامل است. با این حال، چالش اصلی همچنان مقوله تلقی حقوق معنوی به عنوان مصداقی از حقوق شخصیت است که در ادامه سعی در بارز کردن عناصر جدایی آن دو از یکدیگر خواهیم داشت.

۲-۳) جدایی حقوق معنوی از حقوق شخصیت - تحقق اراده‌ی آزاد پدیدآورنده در تعیین سرنوشت اثر

حقوق معنوی پدیدآورنده از منظر برخی نویسندگان به عنوان جلوه‌ای از حقوق شخصیت دانسته شده است، با این استدلال که غایت آن حمایت از شخصیت، شهرت و حریم خصوصی خالقان آثار ادبی و هنری است (Pound, 1914: 445). با این حال، چنین نگرشی راجع به پیوند میان شخصیت پدیدآورندگان و آثارشان توسط گروهی دیگر از حقوقدانان مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا دیدگاه افراطی به مفهوم پدیدآورندگی و شی‌گرایی می‌تواند مانع از توسعه جنبه‌های دیگر شخصیت خالقان آثار ادبی و هنری گردیده و به خودسانسوری منجر شود (Harris, 2002: 256-258).

واقعیت آن است که با وجود مشابهت حقوق معنوی و حقوق شخصیت از حیث هدف (صیانت از شخصیت)، محدودیت‌های وارده (تقابل با نظم عمومی و اخلاق حسنه و منافع



اجتماعی) و برخی ویژگی‌ها (نظیر عدم قابلیت توقیف، عدم شمول مرور زمان، عدم قابلیت اسقاط کلی و غیرمالی بودن)، این حقوق از یکدیگر مجزا هستند. تمایزاتی که میان این دو حق وجود دارد می‌تواند سبب جدایی آن‌ها از یکدیگر شده و در نتیجه سرنوشت متفاوتی را برای حقوق معنوی به ارمغان آورد. با وجود این، ارتباط آن دو از حیث هدف نیز می‌تواند نتایجی را به همراه داشته باشد.

به طور کلی تفاوت میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت از دو جهت قابل بررسی است:

الف) تفاوت از حیث موضوع

۱- **حمایت از شخصیت پدیدآورنده:** حقوق معنوی به طور کلی فرع بر آفرینش آثار ادبی و هنری است؛ به بیان دیگر تا زمانی که اثری خلق نشود، حقوق معنوی شکل نخواهد گرفت و در نتیجه می‌توان آن را تبعی و اکتسابی دانست. بر همین اساس، حقوق معنوی نه از شخصیت هر انسان، بلکه صرفاً از شخصیت آفریننده دستاورد فکری صیانت می‌کند. متقابلاً حقوق شخصیت، فارغ از هر نوع ویژگی منحصر به فرد و متمایزکننده میان اقوام بشر، به صرف انسان بودن به اشخاص حقیقی تعلق می‌گیرد، چه این افراد از نبوغ و خلاقیت و وصف پدیدآورندگی برخوردار باشند یا نباشند. به عبارت دیگر، برخلاف ماهیت اکتسابی حقوق معنوی، حقوق شخصیت ذاتی هستند. از این رو، هر انسانی از زمان حیات خود از حق بر حریم خصوصی، حق بر نام، حق بر تصویر و دیگر مصادیق حقوق شخصیت برخوردار است (Zhang, 2012: 13).

۲- **توجه به حیثیت و شهرت:** یکی از تفاوت‌های اصلی میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت، مفهوم حیثیت و شهرت^{۳۰} آفرینندگان آثار ادبی و هنری است. اگرچه این مفهوم در ابتدا نقش مهمی در شکل‌گیری حقوق معنوی داشته و در تحلیل ابعاد اقتصادی حقوق معنوی نیز محل توجه حقوقدانان قرار گرفته است، امروزه حقوق معنوی از این مفهوم فراتر

35. Honor & Reputation



رفته و به پدیدآوردندگان این امکان را می‌دهد تا به صورت گسترده‌تری از تمامیت آثار و شخصیت خود صیانت نمایند. با این حال لازم به ذکر است، امروزه دامنه‌ی اعمال حقوق معنوی در بستر بهره‌برداری‌های دیجیتال و مبادلات الکترونیک در عمل کاهش یافته است، تا جایی که نقض حقوق معنوی و به طور خاص حق تمامیت، بر محور لطمه به حیثیت و شهرت پدیدآورنده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Barnett, 1983: 427). حقوق شخصیت اما در پی صیانت از تمامیت فردی و تصویر اجتماعی است که شخص قصد دارد آن را به جامعه عرضه کند و به همین سبب مفهوم حیثیت و شهرت در تحقق نقض چندان تأثیر نخواهد داشت؛ گرچه قضات غالباً هنگام بررسی افشاگری‌ها، برای ارزیابی میزان تجاوز صورت - گرفته به حقوق شخصیت، این مفهوم را نیز مورد توجه قرار می‌دهند (Deschanel, 2017: 241).

ب) تفاوت از حیث نظام حقوقی حاکم

۱- تفاوت در آغاز و پایان: شکل‌گیری حقوق معنوی برای پدیدآوردندگان، از زمان خلق اثر و تکمیل آن از منظر آفریننده دستاورد فکری دانسته شده است (با این حال باید توجه داشت که آثار ناتمام نیز از حمایت‌های حقوق معنوی بهره‌مند هستند). حقوق شخصیت اما از زمان شکل‌گیری حیات جنینی برای اشخاص حقیقی برقرار شده و تا پایان عمر ادامه خواهد یافت. با وجود این، نسبت به برخی از مصادیق آن مانند حق شخص بر نام خانوادگی یا حق شهرت (جلوت)، گفته شده است که با توجه به قواعد، حمایت همچنان ادامه می‌یابد (آزادیگی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

۲- محدودیت حمایت: گرچه حقوق معنوی به علت عدم محدودیت مکانی، جهانی دانسته شده‌اند، با این حال به جهت تفاوت در نظام حقوق مؤلف کشورهای مختلف از جمله اعضای اتحادیه اروپا در مصادیق، ویژگی‌ها، مدت حمایت و قلمرو اعمال، پدیدآوردندگان از حمایت یکسانی برخوردار نخواهند بود. در مقابل، همه‌ی اشخاص از حقوق شخصیت به جهت هماهنگ‌سازی صورت گرفته توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین در تمامی نقاط جهان برخوردار هستند؛ هرچند که ممکن است در نظام حقوقی حاکم بر حقوق شخصیت نیز



در میان کشورها اختلافاتی (هرچند اندک) وجود داشته باشد.

۳- انتقال قهری (ارث): حقوق معنوی دائمی هستند یا دست کم تا مدت زمان حمایت از حقوق مالی حمایت خواهند شد و در نتیجه با فوت پدیدآورنده به صورت قهری به ورثه منتقل می‌شوند. در حالی که حقوق شخصیت ماهیت فردی داشته و در نتیجه، با فوت شخص پایان می‌یابند و به ارث نخواهند رسید (با عنایت به استثناء برخی مصادیق از جمله حق بر نام خانوادگی و حق شهرت)

بنابراین، بررسی تفاوت‌های میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت نشان می‌دهد که با وجود ارتباطات نزدیک این حقوق از حیث هدف، ویژگی و محدودیت، از یکدیگر متمایز هستند و در نتیجه حقوق معنوی را باید مستقل از حقوق شخصیت توصیف کرد. جدایی میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت سبب می‌شود تا اراده‌ی آزاد پدیدآورنده تحت محدودیت‌های حقوق شخصیت از جمله عدم قابلیت اسقاط و نیابت‌پذیری قرار نگرفته و در نتیجه آفریننده‌ی اثر بتواند حاکم بر سرنوشت دستاورد خویش باشد و در قالب مفهوم قراردادپذیری حقوق معنوی به اقداماتی از جمله اسقاط جزئی، اعمال نیابتی، تعیین چهارچوب تغییر اثر و امثال آن تراضی نماید.

۳-۳) اسقاط‌پذیری حقوق معنوی

اسقاط‌پذیری حق از مباحث بسیار بحث‌برانگیز ذیل ویژگی سلب‌ناپذیری حقوق معنوی است که در نظام‌های حقوقی مختلف و به ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپا رویکردهای متفاوتی نسبت به آن اتخاذ شده و در نتیجه باعث طرح نظرات گوناگون و بعضاً متعارض در خصوص تأثیر آن بر عملکرد بازار داخلی اتحادیه شده است (Guibault & Hugenholtz, 2002: 2). نظام حقوق مؤلف ایران نیز بدون آنکه بحثی راجع به قابلیت اسقاط حقوق معنوی به میان آورد، صرفاً در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و آیین‌نامه قانون حمایت از نرم-افزارها این حقوق را غیرقابل انتقال توصیف کرده است. با توجه به آنکه اسقاط حقوق معنوی از حیث کارآیی اقتصادی و نیز تحقق اراده‌ی آزاد پدیدآورنده در تعیین سرنوشت اثر



می‌تواند در موضوع قراردادپذیری دارای اهمیت فراوان باشد، در این گفتار برخی از دلایلی که برای مخالفت با اسقاط این حقوق از سوی حقوقدانان مطرح شده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم و تا حد امکان به ارائه استدلالاتی جهت نفی آنچه اذعان شده، خواهیم پرداخت. یکی از استدلالاتی که برای توجیه سلب‌ناپذیری حقوق معنوی به نحو مطلق و در نتیجه عدم قابلیت اسقاط این حقوق مطرح شده، آن است که پدیدآورنده در فرض امکان اسقاط حقوق معنوی خود ممکن است با وجود تمایل به حفاظت از تمامیت اثر و روح ابتکار نهفته در آن، در مقابل پیشنهادهای مالی با ارزش بالا در مقام ضعف قرار گرفته و در نتیجه به معاملاتی تن دهد که واقعاً مایل به انجام آن نیست (Netanel, 1992: 418-419). ایراد اصلی این استدلال گستردگی زیاد آن است؛ هرچند فرض مطروحه ممکن است در خصوص برخی پدیدآورندگان مصداق داشته باشد اما در مقابل، پدیدآورندگانی نیز هستند که در برابر منافع مالی بیشتر حاضر به انصراف از حقوق معنوی خود و تغییر جوهره‌ی خلاقیت نهفته در آثارشان نیستند. بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد که به نحو مطلق، قائل به عدم توانایی پدیدآورنده راجع به تصمیم‌گیری نسبت به منافع مالی و غیرمالی مرتبط با اثر باشیم. به علاوه، چنانچه اثری دارای اصالت نسبی باشد یا ضرورت‌های کاربردی آن ایجاب نماید که طرف قرارداد بتواند از آزادی عملی بیشتری در انتفاع از آن در مقایسه با اثری که دارای اصالت مطلق است برخوردار شود، غیرقابل اسقاط دانستن حقوق معنوی سبب می‌شود که پدیدآورنده از منافع مالی بیشتر در مقابل اسقاط جزئی حق تمامیت خود محروم شود و همچنین در مواجهه با حقوق معنوی سلب‌ناپذیر و غیرقابل اسقاط، خریدار ممکن است ارزش مالی کمتری را برای اثر ادبی یا هنری پیشنهاد دهد که چه بسا پدیدآورنده به جهت محدودیت‌های مالی، در مقابل مبلغ پیشنهادی مجبور به تسلیم شود یا در غیر این صورت، احتمال دارد که طرف قرارداد برای همیشه از توافق با پدیدآورنده برای خلق اثر سفارشی یا خرید اثری که به وجود آمده، صرف‌نظر کند (Cotter, 1997: 68-69).

استدلال دیگری که در خصوص عدم قابلیت اسقاط حقوق معنوی از سوی برخی حقوقدانان مطرح گردیده، تعارض این عمل با نظم عمومی و منافع اجتماعی به عنوان یک



قاعده امری است. راجع به ممنوعیت توافقات اشخاص بر خلاف قواعد امری، آنچه در نظام حقوق مؤلف ایران و اتحادیه اروپا مورد پذیرش قرار گرفته، اصل عدم قابلیت انتقال قراردادی حقوق معنوی است. با فرض امری بودن این قاعده، آیا می‌توان آن را به عدم قابلیت اسقاط حقوق معنوی نیز تسری داد؟ زیرا مطابق ماده ۹۵۹ قانون مدنی ایران، سلب جزئی حقوق مدنی از منظر برخی حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۲۰۸-۲۱۱) مورد پذیرش قرار گرفته است و در نظام حقوق مؤلف کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز غالباً اسقاط حقوق معنوی پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد از جهت منع تقلب در تولید آثار علمی، ادبی و هنری و همچنین جلوگیری از گمراهی جامعه و نیز صیانت از میراث فرهنگی، عدم قابلیت اسقاط حقوق معنوی توجیه‌پذیر باشد. با این حال باید توجه داشت ضرورت استفاده از برخی آثار، به ویژه هنرهای کاربردی مانند آثار معماری و برخی دیگر نظیر نرم‌افزارهای رایانه‌ای و همچنین نوین‌سازی شیوه‌های بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری سبب می‌شود تا محدودیت‌هایی در مطلق‌گرایی عدم قابلیت اسقاط حقوق معنوی پیش‌بینی شود تا پدیدآورندگان بتوانند با توجه به استدلال‌ات مطرح‌شده در فوق و از حیث ثمربخشی اقتصادی قراردادهای حقوق مؤلف، امکان اسقاط حقوق معنوی خود را به صورت جزئی و به طور خاص نسبت به حق تمامیت داشته باشند. همچنین باید یادآور شد نظم عمومی دارای مفهومی متغیر بر حسب ضرورت‌های زمانی و مکانی است و طبیعتاً در حوزه حقوق مؤلف نیز آمرانه دانستن عدم قابلیت هرگونه اسقاط حقوق معنوی، با ضرورت‌های دنیای فناورانه ناسازگار بوده و در نتیجه در تعارض با نظم عمومی بین‌المللی قرار خواهد گرفت.

دلیل دیگری که نسبت به اسقاط‌ناپذیری حقوق معنوی توسط برخی نویسندگان ایرانی مطرح شده است، شمول این حقوق در زمره احکام و عدم تلقی آن به عنوان حق است (حکمت‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۷۸). قابلیت اسقاط ویژگی مشترک تمامی حقوق است، حال آنکه احکام قابلیت اسقاط نداشته و این امر اساس تفاوت آن‌ها با یکدیگر است (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۴۱-۳۸). توجه به وجوه افتراق حق از حکم و نیز بررسی ویژگی‌های حقوق معنوی خالقان آثار ادبی و هنری می‌تواند حکایت از نفی دیدگاه حکم‌پنداشتن امتیازات غیرمالی اعطاشده به



پدیدآورندگان داشته باشد. زیرا در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، حمایت از نرم افزارهای رایانه‌ای و آیین‌نامه اجرایی آن صراحتاً از حقوق معنوی به عنوان حقی اعتباری یاد شده است. همچنین تصریح به ویژگی غیرقابل انتقال بودن حقوق معنوی و ارتباط این حقوق با شخصیت آفریننده اثر نیز دلیل کافی برای حق ندانستن آن نخواهد بود؛ زیرا همان‌طور که از نظر گذشت، تمایزات میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت مانع از یکی دانستن آن‌ها شده و از طرف دیگر، عدم قابلیت انتقال حقوق معنوی نیز ناظر به انتقال قراردادی تعبیر گردید و در نتیجه این حقوق به صورت قهری قابل انتقال به ورثه هستند. بنابراین از منظر نگارندگان، با توجه به تمایزات مطرح شده میان حقوق معنوی و حقوق شخصیت و همچنین عدم صحت تلقی حقوق معنوی به عنوان حکم، قابلیت اسقاط حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران همانند رویکرد غالب کشورهای عضو اتحادیه اروپا قابل پذیرش است، با این تفاوت که برخی شباهت‌ها میان این حقوق و حقوق شخصیت و نیز تداخل منافع آفرینندگان آثار ادبی و هنری با منافع اجتماعی، سبب تحمیل محدودیت‌هایی بر اسقاط می‌شود، از جمله عدم قابلیت اسقاط به صورت کلی یا پیشینی.

نتیجه بحث آنکه، با عنایت به وجوه اقتصادی حقوق معنوی و تأثیر آن بر ثمربخشی مالی قراردادهای حقوق مؤلف و همچنین تفاوت‌های موضوعی و حکمی این حقوق با حقوق شخصیت و نیز استدلالات مطرح شده در باب قابلیت اسقاط تحت محدودیت‌های مذکور، به نظر می‌رسد قراردادپذیری حقوق معنوی از حیث مبنایی از توجیهات لازم برخوردار است. بنابراین با توسل به عناصر بایسته مورد بررسی، در ادامه می‌توان به برخی طرق و شیوه‌های قراردادپذیری حقوق معنوی که در عمل و در واقعیات قراردادهای حقوق مؤلف جاری است، با عنایت به قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، اشاره نمود.

۴. حالات و کیفیات قراردادپذیری

بررسی مباحث گذشته و آشنایی با تعدیلات صورت گرفته در وصف مطلق سلب‌ناپذیری



حقوق معنوی ما را به این نتیجه می‌رساند که شیوه‌ها و طرق مختلفی نسبت به قراردادپذیری حقوق مذکور قابل تصور است و از این رو، پدیدآورندگان می‌توانند به یاری توانایی خود در تعیین سرنوشت دستاورد فکری، توافقاتی راجع به نحوه‌ی اعمال حقوق معنوی داشته باشند.

شیوه‌های توافق از جهات گوناگونی قابل دسته‌بندی است، از جمله قراردادپذیری حقوق معنوی تحت سازوکارهای نظام حقوق مؤلف، قواعد عمومی قراردادها، تعیین مقصد اثر، قراردادهایی با هدف قطع رابطه‌ی انحصاری پدیدآورنده و دستاورد فکری، بهره‌برداری‌های تجاری و حرفه‌ای و امثال آن که مجال بررسی آن‌ها در این پژوهش نیست. با این حال به جهت تبیین مباحث با استفاده از ارکان تعدیل در اوصاف حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، در ادامه به مهم‌ترین موارد توافق حقوق معنوی در حوزه‌ی قراردادهای حقوق مؤلف پرداخته خواهد شد.

۱-۴) قراردادهای ناظر بر حق انتساب پدیدآورندگان

توجه به ماهیت فردی و ارتباط عمیق حق انتساب با شخصیت آفرینندگان آثار ادبی و هنری در کنار پیوند آن با منافع اجتماعی و نظم عمومی به جهت ممانعت از گمراهی و فریب جامعه، سبب می‌گردد تا تنظیمات قراردادی صرفاً ناظر به نحوه‌ی اعمال این حق از سوی پدیدآورندگان در قالب استفاده از نام مستعار^{۳۶} و ناشناس ماندن^{۳۷} میسر شود.

گرچه قوانین حوزه‌ی حقوق مؤلف ایران تصریحی به امکان استفاده پدیدآورنده از نام مستعار یا گم‌نامی ندارند، با این حال از مفهوم ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان^{۳۸} و

36. Pseudonym

37. Anonymous

۳۸. ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان ایران: «انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند، باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیرشده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند، مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد».



نیز ماده‌ی ۹ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از نرم‌افزارها^{۳۹} می‌توان به این ظرفیت قانونی جهت توافق‌پذیری حق انتساب پی برد. با وجود این، مطابق تبصره ۳ ماده ۵ قانون مطبوعات^{۴۰} این امکان صراحتاً مورد پیش‌بینی قرار گرفته و البته نوع نگارش آن به نحوی است که سبب شکل‌گیری انگاره‌هایی می‌شود. در این مقرر به نظر می‌رسد قانون‌گذار میان دو فرض قائل به تفکیک شده و احکامی متفاوتی را در نظر گرفته است؛ چنانچه پدیدآورنده مایل به استفاده از نام مستعار باشد، امتیازات قانون حمایت از حقوق مؤلفان مطابق اصل کلی شامل وی خواهد گشت، اما در فرضی که بخواهد از ظرفیت گمنامی بهره برد، حمایت‌های مذکور از آن نشریات دانسته شده است. گمان می‌رود چنین رویکردی از حیث اثباتی توسط قانون‌گذار اتخاذ شده باشد تا بدین ترتیب شخصی که اثر به نام وی منتشر می‌گردد، مسئول اعتبار و صحت مطالب مندرج دانسته شود.

اما با توجه به آنکه نشریات عموماً در قالب شخصیت حقوقی فعالیت می‌کنند، تعلق حقوق مالی و معنوی شناخته‌شده در قانون حمایت از حقوق مؤلفان به آنان (با عنایت به اطلاق تبصره) می‌تواند دیدگاه شخصیت‌محور حقوق معنوی را نفی کرده و احتمال تعمیم آن را به اشخاص حقوقی به ذهن متبادر سازد. با این حال، با توسل به اصل سلب‌ناپذیری حقوق معنوی و خصیصه‌ی انسانی بودن آن، فرض اخیر تبصره را می‌توان به معنای نیابت نشریات در اعمال حقوق معنوی پدیدآورندگان ناشناس تعبیر کرد و از این رو پدیدآورنده گمنام می‌تواند در هر زمان، نقاب از چهره برداشته و هویت حقیقی خود را افشا کند

۳۹. ماده‌ی ۹ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از نرم‌افزارها: «حقوق مادی و معنوی نرم‌افزار به پدیدآورنده تعلق دارد. استفاده از تمام یا قسمتی از حقوق مادی موضوع قانون برای مدت ۳۰ سال یا کمتر، با قید شرط یا بدون شرط به اشخاص دیگر قابل نقل و انتقال می‌باشد. اشخاصی که به ترتیب فوق اجازه نشر یا عرضه یا اجرای نرم‌افزاری را که دیگری پدیدآورده است به دست آورده‌اند، مکلفند نام پدیدآورنده را نیز در نسخ عرضه‌شده ذکر نمایند، مگر اینکه با پدیدآورنده به گونه‌ای دیگر توافق شده باشد».

۴۰. تبصره ۳ ماده ۵ قانون مطبوعات ایران (الحاقی ۱۳۷۹/۰۱/۳۰): «مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدیدآورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد».



(محمدی، ۱۳۷۶: ۱۱۰)، اما در مواردی که میان نشریات و پدیدآورندگان در این خصوص اختلافی ایجاد شود، اثبات آفرینش بر عهده‌ی پدیدآورنده خواهد بود.

نظام حقوق مؤلف اتحادیه اروپا اما به پیروی از کنوانسیون برن، آثار با نام مستعار و ناشناس را صراحتاً مورد شناسایی و حمایت قرار می‌دهد و همان‌طور که در بند ۳ ماده ۱ دستورالعمل مدت حمایت^{۴۱} مقرر شده است، این‌گونه آثار تا ۷۰ سال پس از در دسترس جامعه قرار گرفتن مورد حمایت خواهند بود، با این تفاوت که در فرضی که استفاده از نام مستعار تردیدی در هویت حقیقی خالق باقی نگذاشته یا پدیدآورنده در اثنای مدت مذکور نقاب از چهره بر می‌دارد، این مدت به مانند دیگر آثار تا ۷۰ سال پس از فوت وی ادامه خواهد یافت، در حالی که با توجه به عدم تصریح مقرر در فراز پایانی به آثار ناشناس، این تردید ایجاد می‌شود که در فرض گمنامی احتمالاً امکان افشای هویت حقیقی وجود نداشته و به بیان دیگر اسقاط حق انتساب صورت گرفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد مطابق بند ۳ ماده ۷ مکرر کنوانسیون برن^{۴۲}، نسبت به آثار ناشناس نیز این حکم برقرار بوده و از این رو نمی‌توان اعمال چهره‌ی منفی حق انتساب را به اسقاط کامل حق تعبیر کرد (Stamatoudi & Torremans, 2021: 187).

همچنین در بحث قابلیت اسقاط موقت حقوق معنوی نیز با توجه به آن‌که ضرورت‌های

۴۱. بند ۳ ماده ۱ دستورالعمل مدت حمایت از حقوق مؤلف و برخی حقوق مرتبط: «در خصوص آثار ناشناس یا با نام مستعار، مدت حمایت برای ۷۰ سال پس از آنکه اثر به طور قانونی در دسترس جامعه قرار گرفت خواهد بود. با این حال، هنگامی که نام مستعار اتخاذ شده توسط پدیدآورنده تردیدی در مورد هویت حقیقی او باقی نگذاشته یا چنانچه پدیدآورنده هویت حقیقی خود را در دوره‌ی حمایت افشا نماید، مدت حمایت مطابق بند ۱ (طول عمر پدیدآورنده و ۷۰ سال پس از فوت) در نظر گرفته خواهد شد».

۴۲. بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون برن: «در مورد آثار بی‌نام و یا با نام مستعار، طول مدت حمایت مطابق این معاهده پنجاه سال پس از آن‌که اثر به صورت مجاز در اختیار عموم قرار گرفته، می‌باشد. با وجود این، مدت حمایت از آثار با نام مستعار که در مورد مشخصات پدیدآورنده آن هیچ تردیدی وجود ندارد همان مدت مقرر در بند (۱) خواهد بود. اگر پدیدآورنده آثار بی‌نام یا با نام مستعار در طول مدت فوق هویت خود را آشکار نماید، مدت حمایت همان مدت مقرر در بند (۱) خواهد بود. کشورهای عضو اتحادیه ملزم به حمایت از آثار بی‌نام یا با نام نیستند که ظناً قوی راجع به مرگ پدیدآورنده آن‌ها از پنجاه سال قبل وجود دارد».



اقتصادی و انگیزه‌های شخصی ممکن است ناشران، سفارش‌دهندگان و کارفرمایان را بر آن دارد تا هویت حقیقی خالقان دستاوردهای فکری را مخفی نمایند، در عمل ممکن است پدیدآورندگان و رای نام‌های تجاری این اشخاص پنهان گردند. گرچه اعتبار این توافقات به جهت خصیصه‌ی سلب‌ناپذیری حقوق معنوی محل تردید است و در نظام‌های حقوقی مورد بحث نیز صراحتی از این حیث وجود ندارد^{۴۳}، با این حال از منظر برخی از صاحب‌نظران (Desbois, 1979: 526) چنین توافقاتی صرفاً در شرایطی مورد پذیرش است که پدیدآورنده با توسل به اراده‌ی آزادانه‌ی خود، بتواند به صورت یکجانبه اقدام به فسخ توافقات صورت گرفته نماید. بنابراین چنین توافقاتی لزوماً ماهیتی موقت و ناپایدار داشته و در صورتی که پیامدی مشابه با اسقاط کامل حق داشته باشند، باطل خواهند بود. قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی^{۴۴} نیز در همین راستا سلب حق انتساب و انتقال آن به دیگران را ممنوع و باطل اعلام کرده است.

۲-۴) توافقات راجع به حق تمامیت و یکپارچگی اثر در قراردادهای ترجمه

بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مستلزم آن است که پدیدآورندگان بتوانند از طریق سازوکارهای قراردادی نحوه‌ی استفاده از دستاورد خود را تنظیم کنند. به همین جهت همانند حق انتساب، حق تمامیت و یکپارچگی نیز از این قاعده مستثنی نگردیده و چه بسا نقش اساسی‌تری را ایفا نماید. غایت آفرینه‌های فکری پس از افشا و در دسترس جامعه قرار گرفتن، به تصویر کشیدن شخصیت، باورها و تفکرات پدیدآورندگان در سطح ملی و بین‌المللی است و از این رو برخی از شیوه‌های بهره‌برداری توجیه‌کننده‌ی چندی از صدمات وارده به تمامیت و

۴۳. با این حال در ماده ۳-۵ کد پیشنهادی مالکیت فکری اتحادیه اروپا (Wittem)، امکان اسقاط حق انتساب به صراحت مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، البته مشروط به آنکه کلی نبوده و قلمرو و حدود آن تعیین شده و آگاهانه باشد.

۴۴. ماده واحده: «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و یا ضبط‌شده پژوهشی - علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به‌عنوان حرفه یا شغل - با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به‌عنوان اثر خود، جرم بوده و...».



انسجام ساختاری آن است، از جمله عمل ترجمه که در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا به عنوان حق انحصاری آفریننده آثار ادبی و هنری مورد شناسایی قرار گرفته است. هنگامی که اثر ادبی به مقبولیت اجتماعی دست می‌یابد، دور از ذهن است که این محبوبیت به مرزهای یک کشور محدود شود. بنابراین، جهت تسهیل دسترسی همگان به اثر در سطح بین‌المللی، ترجمه‌ی آثار امری متداول است که از دیرباز رواج داشته و به ندرت توسط شخص پدیدآورنده صورت می‌گیرد. به همین منظور در نظام‌های حقوقی مختلف، حق ترجمه به عنوان یکی از مصادیق حقوق مالی مورد شناسایی قرار گرفته است تا بدین ترتیب پدیدآورندگان از طریق انعقاد قراردادهای مجوز بهره‌برداری یا انتقال بتوانند در کنار دست یافتن به شهرتی مضاعف، به اشاعه تفکرات خود در فراسوی مرزها پرداخته و همچنین از ثمرات اقتصادی آن متمتع گردند. اثر ادبی که با استناد به حق ترجمه مورد بازنویسی قرار می‌گیرد به عنوان یک اثر مرکب یا اشتقاقی شناخته می‌شود؛ یعنی اثر جدیدی که با استفاده از اثر سابقاً موجود، اما بدون همکاری پدیدآورنده آن، تهیه شده است (کلومبه، ۱۳۹۰: ۵۴). در امر ترجمه میرهن است که مترجم با بهره‌گیری از کلمات و عبارات ویژه که نشان‌دهنده سبک نوشتاری او هستند، شخصیت خود را در اثر منعکس می‌نماید و از این رو دستاورد حاصله می‌تواند از اصالت لازم جهت تلقی به عنوان اثری مستقل برخوردار باشد (محمدی، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۴).^{۴۵} با توجه به اعطای مجوز از سوی پدیدآورنده، او نخواهد توانست مانع از تغییراتی شود که به واسطه‌ی ضرورت‌های ترجمه الزامی است و مترجم را ناگزیر از اعمال آن جهت تسهیل فهم مخاطبان در جامعه هدف می‌گرداند (Cunningham, 2018: 383).

نظام حقوق مؤلف ایران، حق ترجمه را به عنوان یکی از مصادیق حقوق مالی خالقان آثار

۴۵. برای مشاهده نگرش مخالف مراجعه شود به:

Lee, T. K. (2020). "Translation and copyright: towards a distributed view of originality and authorship", *The Translator*, pp. 8 – 14. Available at: DOI: [10.1080/13556509.2020.1836770](https://doi.org/10.1080/13556509.2020.1836770)



فکری در بند پنجم ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان^{۴۶} شناسایی و در ماده ۷۲۴^{۴۷} ضمن تأکید بر لزوم رعایت حق انتساب اثر ترجمه، به صورت ضمنی آن را به عنوان دستاوردی مستقل مورد حمایت قرار داده است. با وجود محدودیت حق تمامیت به واسطه‌ی ضرورت- های ترجمه، ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان^{۴۸} این اختیار را به پدیدآورندگان داده است تا دامنه‌ی توافقات خود را نسبت به اعمال حق مزبور افزایش دهند و به همین سبب در قراردادهای مجوز یا واگذاری حق ترجمه، پدیدآورندگان اثر اصلی می‌توانند دامنه‌ی تغییرات قابل اعمال را تعیین و از حداقل‌های ضروری، مشروط به عدم تحریف اثر و نیز در نظر گرفتن منافع اجتماعی، گامی فراتر نهند.

کمیسیون اتحادیه اروپا نیز جهت آگاهی‌بخشی اعضا نسبت به نحوه‌ی اعمال این حق و مفاد قراردادهای مرتبط، تأکید نموده است که با توجه به ماهیت ویژه حقوق معنوی و تفاوت مقررات حاکم بر آن در قوانین ملی، طرفین قراردادهای واگذاری یا مجوز حق ترجمه باید نحوه‌ی مواجهه با این حقوق را مشخص نمایند؛ در قراردادهای باید تعیین شود که آیا پدیدآورنده اثر اصلی (با عنایت به مقررات کشور متبوع) از حقوق معنوی خود صرف‌نظر نموده است یا خیر و در غیر این صورت چهارچوب اعمال حق تمامیت و انتساب باید مشخص گردد، از جمله تعیین حدود تغییرات قابل اعمال توسط مترجم (Troussel & Debussche, 2014: 59). بنابراین به نظر می‌رسد تحدید حق تمامیت و یکپارچگی اثر ذیل قراردادهای ترجمه امری اجتناب‌ناپذیر بوده و با توجه به کمینه‌ی تعیین‌شده در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن نسبت به این حق (لطمه به شهرت و اعتبار)، دامنه‌ی توافقات پدیدآورندگان

۴۶. بند ۵ ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان ایران: «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید: (...). ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن».

۴۷. ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان ایران: «هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

۴۸. ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان ایران: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است».



در مقایسه با نظام حقوق مؤلف ایران محدودتر باشد.

۳-۴) قراردادپذیری حقوق معنوی و تعیین قانون حاکم بر توافقات

پیش‌تر گفته شد که حقوق مؤلف در کشورهای تابع نظام کامن‌لا برخلاف کشورهای که رویکردی شخصیت‌محور به مفهوم پدیدآوردگی و حقوق معنوی دارند، متمرکز بر منافع اقتصادی و نظریات سودگرایی است.

چنین وضعیتی برخی از حقوق‌دانان را بر آن داشته است تا اذعان نمایند حمایت از حقوق معنوی جز از طریق حقوق شخصیت و نیز سازوکارهای قراردادی در این کشورها امکان‌پذیر نیست و به همین جهت «ساده‌ترین و مؤثرترین راه جهت صیانت از حقوق مذکور را قرارداد» (Dworkin, 1994: 84) عنوان کرده‌اند.

بدین ترتیب، هنگامی که پدیدآورنده‌ای از کشورهای تابع نظام حقوق نوشته قصد اعطای مجوز بهره‌برداری یا واگذاری حقوق مالی خود را به طرف قرارداد تابع نظام کامن‌لا دارد یا زمانی که طرفین تصمیم می‌گیرند قانون حاکم بر قرارداد را قانون یکی از کشورهای تابع این نظام قرار دهند، پدیدآورنده باید جهت صیانت و تضمین حقوق معنوی خود، توافقاتی را مبنی بر نحوه‌ی اعمال حق تمامیت و انتساب (و دیگر حقوق معنوی شناخته‌شده در قانون ملی خود) با طرف دیگر انجام دهد. این امر به ویژه هنگامی که اثر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و حتی ایران مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود (Raizon, 2014: 295).

اداره‌ی کل آموزش و فرهنگ اتحادیه اروپا نیز در این راستا، دستورالعملی^{۴۹} را تدوین کرده است که بر مبنای آن، به منظور حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان در پروژه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی، هنگامی که بخشی از کار به طرف‌های قراردادی تابع نظام کامن‌لا

49. European Commission, Directorate General for Education and Culture. Dissemination and exploitation of results of our programmes, available at: http://ec.europa.eu/dgs/education_culture/valorisation/ipr_en.htm



واگذار می‌شود، شروطی باید در قرارداد درج گردد که بر اساس آن طرف مقابل مجاز به اعمال تغییرات در اثر نباشد. این مسئله از این جهت دارای اهمیت است که در طول فرآیند آفرینش اثر ادبی و هنری، حقوق معنوی به راحتی می‌تواند نقض گردد و پیامدهای جدی را به همراه داشته باشد (Dominguez & Sganga, 2012: 30).

۴-۴) قراردادپذیری حقوق معنوی و مدیریت تعهدات قراردادی

قراردادها به عنوان تأسیس حقوقی ناظر بر اراده‌ی طرفین، در راستای رسیدن به اهداف خود همواره با عدم قطعیت انجام تعهدات از سوی متعاقدين مواجه هستند. از این رو پیش-بینی شروط قراردادی می‌تواند جهت مدیریت و کاهش خطرات احتمالی در اجرای تعهدات مؤثر واقع شود. با توجه به چالش‌های قابل تصور نسبت به حقوق معنوی خالقان آثار فکری، پیش‌بینی شروط قراردادی می‌تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد.

نسبت به حق تمامیت و یکپارچگی اثر، بندها و شروط قراردادی که حدود اختیارات طرفین را مشخص می‌کنند مفید به نظر می‌رسد. پدیدآورندگان می‌توانند ذیل قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالی، حدود تغییرات و اقتباس‌هایی را که از منظر آنان تحریف‌کننده و نافی جوهره‌ی اصلی اثر تلقی نمی‌شود، تعیین نمایند. همچنین، توصیه‌های لازم نسبت به محافظت از عین حاوی اثر در قالب بندهای تفسیری می‌تواند تعهدات متعامل را نیز مشخص کرده و در نتیجه از مطلق‌گرایی اعمال حق مزبور از سوی پدیدآورنده، جلوگیری نماید.

حق انتساب نیز می‌تواند تحت تدابیر مطروحه قرار گیرد؛ در فرض صرف‌نظر کردن پدیدآورنده از افشای هویت حقیقی خود، درج بندهایی که دامنه و مدت این انصراف را تعیین می‌کنند و همچنین تأکید به اختیار او در برداشتن نقاب از چهره و نیز لزوم یا عدم لزوم جبران خسارت طرف قراردادی مواردی هستند که می‌توانند قضات را به هنگام تفسیر عقد به درک صحیح‌تری از نیات و قصد مشترک طرفین رهنمون سازند (Raizon, 2014: 302). بنابراین می‌توان گفت، بسیاری از اختلافات قراردادی ناشی از حقوق معنوی با درج شروط و مفاد صریح و روشن می‌تواند رفع گردد. از این رو پدیدآورندگان و بهره‌برداران



قادر خواهند بود تا پیش از پذیرش قرارداد، محتوای آن و حدود تعهدات و اختیارات خود را با نگاهی دقیق‌تر ارزیابی نمایند.

۵. برآمد

هدف از پژوهش حاضر بررسی امکان قراردادپذیری حقوق معنوی خالقان آثار فکری در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا بود. گرچه پارلمان اروپایی به سبب تفاوت رویکرد کشورهای عضو در برنامه‌ی هماهنگ‌سازی حقوق مؤلف به صورت -عامدانه- از ورود به حوزه‌ی حقوق معنوی اجتناب کرده و در برخی دستورالعمل‌های صادره نیز به صراحت از موضع کنوانسیون برن پیروی نموده است، با این حال مطلق‌گرایی در خصیصه‌های این حقوق از سوی کمیسیون اروپایی و در گزارش‌های مختلف، بارها مورد انتقاد و اعتراض قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران نیز قانون‌گذار به صرف تصریح به عدم قابلیت انتقال حقوق معنوی در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و نیز آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از نرم-افزارها اکتفا نموده و از این رو دامنه‌ی توافقات مرتبط و اصول حاکم را در ابهام قرار داده است؛ گرچه مطابق مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، تعدیلاتی در وصف مطلق سلب‌ناپذیری حقوق معنوی صورت گرفته که ثمرات آن در قوانین دیگر از جمله قانون مطبوعات، قابل مشاهده است.

بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که گرچه حقوق معنوی و حقوق شخصیت به جهت مشابهت در هدف که همانا صیانت از شخصیت انسانی است دارای قرابت هستند، اما به سبب تفاوت در موضوع و نظام حقوقی حاکم از یکدیگر متمایز بوده که پیامد این امر در تحقق اراده‌ی آزادانه پدیدآورنده در تعیین سرنوشت اثر در پرتو توجه به ابعاد اقتصادی حقوق معنوی و امکان اسقاط این حقوق به صورت جزئی و محدود، در قراردادهای بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری قابل مشاهده است. از جهت بررسی تطبیقی، گرچه استدلال مطروحه غالباً از سوی حقوقدانان کشورهای اروپایی مطرح شده است، با این حال به علت تبعیت قانون‌گذار ایرانی از رویکرد نظام حقوق نوشته در حوزه حقوق معنوی و به ویژه با



الهام از نظام حقوقی فرانسه، به نظر می‌رسد این رویکرد در نظام حقوق مؤلف ایران نیز قابل پذیرش باشد و از این رو شیوه‌ها و طرق بسیاری در تحقق توافقات حقوق معنوی قابل تصور خواهد بود که به برخی از مهم‌ترین موارد آن اشاره شد.

در انتها، جهت افق‌گشایی و تبیین ضرورت‌های توجه به نظریه‌ی قراردادپذیری حقوق معنوی، پیشنهاد‌های ذیل با تمرکز بر نظام حقوقی ایران و بهره‌گیری از تجربیات اتحادیه اروپا مطرح می‌شود:

الف- گرچه در قوانین حوزه حقوق مؤلف ایران امکان تعدیل در وصف مطلق سلب‌ناپذیری حقوق معنوی در قالب تجویز پدیدآورنده بر مبنای مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان مورد پیش‌بینی قرار گرفته و از این رو امکان نیابت‌پذیری اعمال حق از سوی شخص دیگر قابل استنباط است، با این حال نسبت به قابلیت اسقاط و شرایط آن تصریحی وجود ندارد. از این رو شایسته است مقرره‌ای در باب قابلیت اسقاط حقوق معنوی به صورت جزئی همراه با امکان رجوع از آن (به جهت ماهیت شخصیت‌محور حقوق معنوی) پیش‌بینی شود، همان‌گونه که در کد پیشنهادی حقوق مؤلف اتحادیه اروپا موسوم به (Wittem) تصریح شده است.

ب- با وجود امکان‌سنجی اعمال نظریه‌ی قراردادپذیری حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران، اصول و قواعد حاکم بر توافقات مرتبط و نیز محدودیت‌های قابل تصور چندان مشخص نیست. به همین سبب بر عهده‌ی قانون‌گذار است تا جهت ایجاد توازن بهینه میان منافع جامعه، پدیدآورندگان و اشخاص ثالث در بهره‌برداری از آثار فکری با در نظر گرفتن اقتضائات زمانی و مکانی به وضع استثنائات و محدودیت‌ها، تحدید قلمرو اعمال حق و نیز پیش‌بینی شرایط شکلی در انعقاد قراردادهای مرتبط با حقوق معنوی از جمله لزوم کتبی بودن، مبادرت نماید.

۶) ارجاعات

۶-۱) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱- حکمت‌نیا، محمود (۱۴۰۰). نظام مالکیت فکری؛ (خاستگاه، زیرساخت‌ها و ساختارها)،



- تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۲- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ پنجاه و پنجم.
- ۳- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، انتشارات گنج دانش، جلد نخست، چاپ بیست و دوم.
- ۴- کلومبه، کلود (۱۳۹۰). *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
- ۵- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۹). *قواعد فقه - بخش مدنی*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، جلد نخست، چاپ پنجاه و ششم.
- ۶- محمدی، پژمان (۱۳۸۶). *قراردادهای حقوق مؤلف*، تهران، نشر دادگستر، چاپ نخست.

ب) پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

- ۷- آزادبیگی، سمیه (۱۳۸۶). *حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی- هنری و حقوق شخصیت*، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.
- ۸- عزیزاده، حمید (۱۳۸۷). *حقوق معنوی پدیدآورنده در آثار ادبی و هنری*، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۹- محمدی، پژمان (۱۳۷۶). *حقوق مؤلف*، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.

ج) مقالات

- ۱۰- ابدالی، مهرزاد (۱۳۸۹). «جایگاه اخلاق در تحلیل اقتصادی حقوق»، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، شماره ۱۹، صص ۱۰۱-۱۲۶.



- ۱۱- احمدوند، بهناز (۱۴۰۰). «تحدید مفهومی سلب حق»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، صص ۹۳-۱۱۰.
- ۱۲- شاکری، زهرا (۱۴۰۱). «افق‌های نوین حقوق مالکیت فکری در چشم‌انداز دستورالعمل کپی‌رایت و حقوق مرتبط بازار واحد دیجیتال سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۸، صص ۲۶۷-۲۹۴.
- ۱۳- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۴). «مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۴۳-۶۴.
- ۱۴- جعفرپور، یاسمن و زهرا شاکری (۱۴۰۲). «تحدید حق معنوی مؤلف با اعمال دکترین استفاده منصفانه در نظام حقوقی آمریکا»، فصلنامه حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۴، شماره ۳۳، صص ۱-۳۲.
- ۱۵- صفایی، سید حسین (۱۳۸۵). «حقوق معنوی پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۱۷-۳۵.
- ۱۶- صفایی، سید حسین و علی امینی‌نژاد (۱۳۹۶). «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۷، صص ۲۷-۴۸.
- ۱۷- میرشکاری، عباس و نفیسه ملکی (۱۴۰۱). «تحلیل حقوقی کالانگاری شهرت»، فصلنامه علمی رسانه، دوره ۳۳، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۸.

۲-۶) منابع غیرفارسی

A) Books

- 18- Dietz, A. (1978). *Copyright law in the European community: a comparative investigation of national copyright legislation, with special reference to the provisions of the treaty establishing the European Economic Community*, Sijthoff & Noordhoff.
- 19- Desbois, H. (1979). *Le droit d'auteur en France*, 3e éd, Dalloz.



- 20- Edit, S. (2020). *Moral rights of authors - an overview with special regard to the right to integrity*, Publishing House, Baltija Publishing.
- 21- Gautier, P. Y. (1991). *Propriété littéraire et artistique*, Presses universitaires de France.
- 22- Guibault, L., Hugenholtz, P. B., Vermunt, M., & Berghuis, M. (2002). *Study on the conditions applicable to contracts relating to intellectual property in the European Union*, Institute for information law.
- 23- Harris, J. W. (2002). *Property and justice*, Oxford University Press.
- 24- Stamatoudi, I., & Torremans, P. (Eds.) (2021). *EU copyright law: a commentary*, Edward Elgar Publishing.
- 25- Troussel, J. C., & Debussche, J. (2014). *Translation and Intellectual Property Rights:(DGT/2013/TIPRs): Final Report, July 2014*, Publications Office of the European Union.
- 26- Woodmansee, M. (2017). *The Genius and the Copyright: Economic and Legal Conditions of the Emergence of the 'Author'*, *Eighteenth-Century Studies*, Intellectual Property, Routledge.

B) Dissertations & Thesis

- 27- Deschanel, C. (2017). **Le droit patrimonial à l'image: émergence d'un nouveau droit voisin du droit d'auteur**, Doctoral dissertation, Université d'Avignon.
- 28- Dominguez, G. M., & Sganga, C. (2012). **Effective Protection of Moral Rights in Authors Rights Systems Over Copyright Systems**, LL.M dissertation , CEU, Budapest College.
- 29- Radkova, L. (2001). **Moral rights of authors in international copyright of the 21st century: time for consolidation?**, Doctoral dissertation, University of British



Columbia.

- 30- Raizon, H. (2014). **La contractualisation du droit moral de l'auteur**, Doctoral dissertation, Université d'Avignon.
- 31- Zhang, J. (2012). **Restrictions on Moral Rights: A Comparative Study on Its Legislation and Application in Civil Law and Common Law Jurisdictions**, Doctoral dissertation, University of Toronto.

C) Articles

- 32- Barnett, S. R. (1983). "From New Technology to Moral Rights: Passive Carriers, Teletext, and Deletion as Copyright Infringement-the WGN Case", *J. Copyright Soc'y USA*, Vol. 31, No. 4, pp. 427-485.
- 33- Cervetti, P. D. (2013). "Du bon usage de la contractualisation en droit de la propriété littéraire et artistique", *Revue Internationale du droit d'auteur*, No. 238, pp. 111-194.
- 34- Cotter, T. F. (1997). "Pragmatism, economics, and the droit moral", *NCL Rev.*, Vol. 76, No. 1, pp. 1-96.
- 35- Cunningham, A. (2018). "Translation, Copyright & Authority", *Pólemos*, Vol. 12, No. 2, pp. 361-391.
- 36- Dworkin, G. (1994). "The moral right of the author: moral rights and the common law countries", *Colum.-vla jl & Arts*, Colum. 19, pp. 229-267.
- 37- Hansmann, H., & Santilli, M. (1997). "Authors' and artists' moral rights: A comparative legal and economic analysis", *The Journal of Legal Studies*, Vol. 26, No. 1, pp. 95-143.
- 38- Janssens, M. C. (2017). "Invitation for a 'Europeanification' of moral rights, In Research Handbook on Copyright Law", *Edward Elgar Publishing*, pp. 200-223.



- 39- Koumantos, G. (1999). "Faut-il avoir peur du droit moral?", *Revue Internationale du droit d'auteur*, No. 180, pp. 86-125.
- 40- Lee, T. K. (2020). "Translation and copyright: towards a distributed view of originality and authorship", *The Translator*, Vol. 26, No. 3, pp. 241-256.
- 41- Masiyakurima, P. (2005). "The trouble with moral rights", *The Modern Law Review*, Vol. 68, Iss. 3, pp. 411-434.
- 42- Mills, L. A. (2011). "Moral Right: Well-Intentioned Protection and Its Unintended Consequences", *Tex. L. Rev.*, Vol. 92, Iss. 2, pp. 443-464.
- 43- Netanel, N. (1992). "Copyright alienability restrictions and the enhancement of author autonomy: a normative evaluation", *Rutgers LJ*, Vol. 24, No. 2, pp. 347-442.
- 44- Pound, R. (1914). "Interests of Personality", *Harv. L. Rev.*, Vol. 28, No. 5, pp. 445-456.
- 45- Rigamonti, C. P. (2006). "Deconstructing moral rights", *Harv. Int'l LJ*, Vol. 47, No. 2, pp. 353-412.
- 46- Watt, R. (2023). "The economic dimension of moral rights, In Research Handbook on Intellectual Property and Moral Rights", *Edward Elgar Publishing*, pp. 186-196.
- 47- Zemer, L. (2011). "Moral rights: limited edition", *Boston University Law Review*, Vol. 91, pp. 1519-1568.

[In Persian]:

A) Books

- 48- Claude, C. (2012). *Grands principes du droit d'auteur et des droits voisins dans le monde: approche de droit comparé*, Translated From French to Persian By: A. Mohammadzade Vadghani, Tehran: Mizan, 2nd edition.
- 49- Hekmatnia, M. (2021). *Intellectual Property System; (Origin, Infrastructure,*



- Structure), Tehran: Pajooreshgah-e Farhang va Andishe-e Eslami, 1st edition.
- 50- Katouzian, N. (2021). *Elementary Course of Civil Law: Properties & Ownership*, Tehran: Mizan, 55th edition.
- 51- Katouzian, N. (2023). *General Principles of Contracts*, Tehran: Ganjedanesh, vol.1, 22nd edition.
- 52- Mohammadi, P. (2007). *Copyright Contracts*, Tehran: Dadgostar, 1st edition.
- 53- Mohaqeq Damad, M. (2020). *The Rules of Islamic Jurisprudence - Civil Section*, Tehran: Markaz-e Nashr-e Olum-e Eslami, vol.1, 56th edition.

B) Dissertations & Thesis

- 54- Alizadeh, H. (2008). **The Moral Rights of Creators in Artistic and Literary Works**, LL.M dissertation, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran.
- 55- Azadbeigi, S. (2007). **The Moral Rights of Creators of Literary-Artistic Works and Personality Rights**, LL.M dissertation, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran.
- 56- Mohammadi, M. (1997). **Copyright**, LL.M dissertation, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran.

C) Articles

- 57- Abdali, M. (2010). "The Place of Ethics in Economic Analysis of Law", *Journal of Comparative Law*, 0(19), 101-126.
- 58- Ahmadvand, B. (2021). "Restricting Conceptual of Foreclosure", *Journal of Legal Research*, 20(47), 89-110. DOI: 10.48300/jlr.2021.140165
- 59- Hekmatnia, M. (2005). "Moral Rights of Intellectual Property and Their Bases", *Islamic Law*, 2(5), 43-64.



- 60- Jafarpour, Y. and Shakeri, Z. (2024). "Limiting the Author's Moral Right by Applying the Doctrine of Fair Use in the American Legal System", *Contemporary Comparative Legal Studies*, 33(14), 1-32. DOI: 10.22034/LAW.2023.52920.3161
- 61- Mirshekari, A. and Maleki, N. (2022). "Legal analysis of commodification of Fame", *Rasaneh*, 33(2), 123-148. DOI: 10.22034/bmsp.2022.145454
- 62- Safaei, H. (2006). "Hoghough-e Maanavi Padidavarendegan-e Narmafzarahay-e rayaneei", *Comparative Law Journal*, 0(2), 17-35. (In Persian)
- 63- Safaei, H. and Amininezhad, A. (2017). "Legal and Jurisprudential Analysis of the Barriers in Transferring Author's Moral Rights", *Journal of Islamic Law & Jurisprudence Researches*, 47(13), 27-48. DOI: 10.22034/ijrj.2017.530232
- 64- Shakeri, Z. (2022). "New Horizons of Intellectual Property Rights in the Perspective of Directive (EU) 2019/790 on Copyright and Related Rights in the Digital Single Market", *Legal Research Quarterly*, 25(98), 267-294. DOI: 10.22034/jlr.2022.228066.2263

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی